

تکمیل جدول و توجه به حروف در کلمات یکی از راههای تقویت املاست.

الف: دانش آموز عزیزم شعر زیبای لطف حق و امید را یکبار بخوان و جدول زیر را کامل کن.

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
م	ک	ا	ی						
	د	ل	ع						
ل	ی	ل	ج						
	ا	ص	ق						
ب	ا	ل	ی	س					
ز	ی	ر	ب	ل					
م	د	ا	ر	د					
		ی	م	ب					
		س	و	م					
ن	ا	ی	غ	ط					

(۱) هم خانواده کلمه حکم. **حاکم** است.

(۲) هم خانواده کلمه عدالت چیست؟ **عدل**

(۳) هم قافیه نیل در بیت اول شعر لطف حق چیست؟ **جلیس**

(۴) مترادف کلمه سرنوشت است... **قضا**

(۵) دایه اش **سیراب** و موجش مادر است.

(۶) بر اثر بارندگی زیاد، رودخانه **ببریز** از آب شده بود.

(۷) **دیار** یعنی هر لحظه

(۸) ز **بیم** جان، کبوتر کرد پرواز به هر سو ساخت، تازان از پی اش باز

(۹) شعر زیبای لطف حق درباره ی حضرت **مویی** (ع) است.

(۱۰) به بالا آمدن آب دریا می گویند؟ **طغیان**

ب: درس را بخوان و کلمه هایی که حروف زیر را دارند، پیدا کن و بنویس.

خ	خز	خدی	خود
ط	طغیان	باطل	سطح

تمرین

هر یک از کلمه های مفرد را به جمع خود وصل کن.



۲ درستی ☒ و نادرستی ☒ جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: شعر زیبایی (لطف حق، در مورد حضرت موسی (ع) است. ☒

ب: هم‌خانواده‌ی «جلیل»، «مجلل» است. ☒

پ: «سراسر» و «لبالب» از دو جزء تشکیل شده‌اند. ☒

ت: کلمه‌ی «بعد» و «سپس» جمله‌ها را از هم جدا می‌کند. ☒

ث: در جای خالی کلمه‌های مناسب بگذار.

الف: **سراسر** جنگل پر از درختان سرو بود.

ب: همه‌ی انسان‌ها با هم **برابر** هستند.

پ: درنا لباس‌های **نظاره** می‌پوشید.

ت: قلب او **مارماله** از عشق و محبت بود.

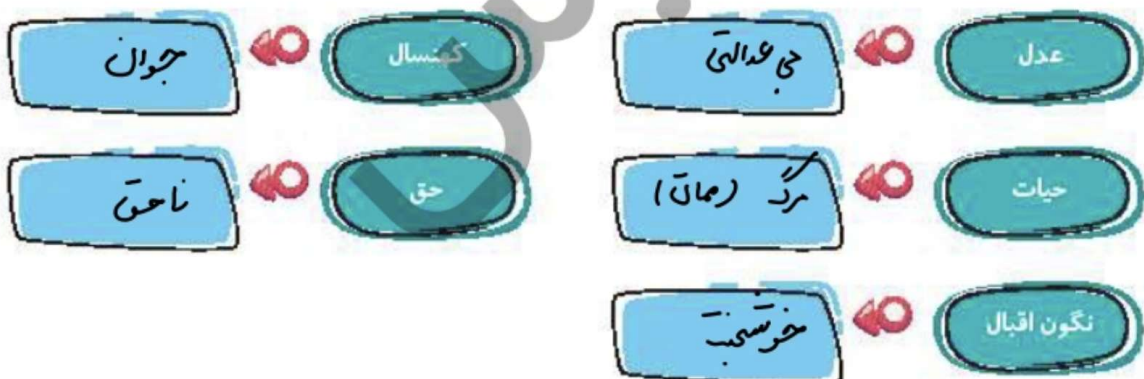
ث: او ظرف را **لباب** از آش کرده بود.



۴ کلماتی که «هم‌معنی» هستند را مثل هم رنگ کن.



۵ مخالف کلمات زیر را بنویس.



با هر یک از کلمات زیر ترکیب وصفی و ترکیب اضافی بنویس.

کلمات	ترکیب وصفی	ترکیب اضافی
کشتی	چوبی - بزرگ	ناخدا
خدا	جلیل - عظیم	ما - زمین - آسمان
قادر	تورنا - مطلق	همسایه

با استفاده از کلمه‌های داده شده، شعر را کامل کن.

خندان - حق - صیاد - حی داور - قضا

چو امیدش به حق بود آن کبوتر نجات از مرگ حی داور
 بزد ماری به شست پای صیاد قضا بر باز خورد آن تیر و افتاد
 به خاک افتاد هم صیاد و هم باز کبوتر شاد و خندان کرد پرواز

با حروف به هم ریخته، چهار واژه بنویس که از متن درس باشد. (می‌توانی از بعضی حروف دوبار استفاده کنی).



حق

حی



تحقیق کن و در چند جمله بنویس چرا به حضرت موسی (ع) «کلیم الله» می‌گفتند؟

.....

.....

.....

.....

برنامه‌ای که در یک روز تعطیل برای خودت در نظر داری را بنویس و بین جمله‌هایت از کلمه‌ی «سپس» یا «بعد» استفاده کن.

۱۰

برنامه‌ی روزانه



به همراه دانش‌آموز

شعر «امید» را به صورت یک داستان کوتاه بنویس.

۱۱

به همراه دانش‌آموز

با توجه به سوالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

۱۲

الف: مفهوم بیت «ما به دریا حکم توفان می‌دهیم / ما، به سیل موج، فرمان می‌دهیم، در کدام گزینه آمده است؟

- ۱ همه پدیده‌های هستی زیر نظر قدرت خداوند هستند. ☒ ۲ دریاها هر زمان توان نخواهند کرد. ☐
۳ سیل و موج هرگز به وجود نمی‌آید. ☐ ۴ حکم و فرمان توفان به دریاها داده شده است. ☐

ب: کدام دسته از کلمات، همگی مخفف هستند؟

- ۱ ربّ جلیل، کای، ساحل ☐ ۲ لطف، خُرد، ناخدا ☐ ۳ آنچه، از، چو ☐ ۴ کاین، چو، زین ☒

پ: شعر «امید» با کدام ضرب‌المثل تناسب دارد؟

- ۱ هر که بامش بیش، برفش بیشتر ☐ ۲ از تو حرکت از خدا برکت ☐
۳ با یک گل بهار نمی‌شود ☐ ۴ ر ناامیدی بسی امید است، پایان شب سیه سپید است. ☒

ت: شاعر در شعر «امید»، علت اصلی نجات بچه کبوتر را چه می‌داند؟

- ۱ ز رنگی و گریختن ☒ ۲ لایق به حق ☐ ۳ یاری کردن بخت و اقبال ☐ ۴ تشخیص درست ☐

ث: در شعر «لطف حق»، شاعر، به ترتیب، چه چیزهایی را برای حضرت موسی، «مادر» و «دایه» می‌نامد؟

- ۱ توفان و سیلاب ☐ ۲ موج و توفان ☐ ۳ موج و سیلاب ☒ ۴ رود و موج ☐





در زمان متوکل که یکی از خلفای عباسی بود ظلم و آزار بر مسلمانان به نهایت رسیده بود. زندان‌ها پسر از مردم بی‌گناه بود. در میان زندانیان، جوان خوش سیمایی بود که جوانی او، دل فرمانده جلادان را به رحم آورد.

او به جوان گفت: «من دلم نمی‌آید تو را بکشم؛ اما دستور وزیر است و چاره‌ای نیست، ولی اگر خواسته‌ای داری، بگو تا در این لحظه‌های آخر آن را برآورده کنم.»

جوان لقمه‌ای نان خواست تا رفع گرسنگی کند. برایش مقداری غذا آوردند و جوان چنان با آرامش مشغول خوردن شد که همگی تعجب کردند.

فرمانده گفت: «از کار تو سر در نمی‌آورم. چنان با خونسردی مشغول خوردن هستی که انگار سالیان دراز زنده خواهی ماند.»

جوان با خونسردی در حالی که سیمی برداشت گفت: «نگاه کن تا این سیب به هوا می‌رود و برمی‌گردد هزار چرخ می‌خورد. خدا داناست شاید در این مدت هم اتفاقی بیفتد.»

او این را گفت و سیب را به هوا پرتاب کرد هنوز سیب به زمین نرسیده بود که عده‌ای سوار، هراسان به میدان کشتار آمدند و فریاد زدند: «دست نگه دارید، متوکل را کشتند!»

«فوت کوزه‌گری»

الف: چرا دل فرمانده جلادان نسبت به آن جوان به رحم آمده بود؟

جوابی او دل فرمانده را به رحم آورده بود.

ب: جوان در لحظه‌های آخر عمر چه چیزی خواست؟

لقمه‌ای نان خواست.

پ: چه چیز باعث شده بود که جوان با خونسردی مشغول خوردن شود؟

نفس به جهاد می‌زد و می‌دیده بود.

ر: این داستان تو را به یاد کدام ضرب‌المثل می‌اندازد؟

به سیب سبز از نیم هوا ده تا چرخ می‌خورد تا به زمین نرسد.

ث: چه نتیجه‌ای از این داستان می‌گیری؟

به عهده دانش آموز.

